

# فقه منفعل، فقه فعال

گفتاری از استاد حسن رحیم پور ازغدی



متن حاضر، تلخیصی است از سخنان استاد حسن رحیم پور ازغدی در همایش «بازخوانی فقهی و حقوقی نهادهای اساسی جمهوری اسلامی ایران» که خردادماه سال گذشته در دانشکده حقوق دانشگاه تهران برگزار شد. او در این گفتار علاوه بر مباحث عمومی، سوالات مبنایی و مشخصی را نیز در باب فلسفه فقه مطرح کرد تا پاسخ به آن‌ها مدخلی باشد بر فقه نظام‌ساز.

## دوراهی ساختارشکنی و جمود

در عرصه نظام‌سازی، بر سر دوراهی ساختارشکنی علیه ضوابط دین و یا جمود و فقه انفعالی قرار داریم. در عرصه فقه اجتماعی و حکومتی، ما دو نوع فقاقت و اجتهاد داریم؛ فقه فعال و فقه منفعل. آن چیزی که در عرصه نظام‌سازی اجتماعی و حکومتی گرفتارش هستیم و در حوزه‌های ما بحث می‌شود، به‌طور عمده فقه منفعل است، نه فقه فعال. این عقلانیت اسلامی نیست؛ فقه اسلام، جزئی از عقلانیت اسلامی است که موتور اصلی نظام‌سازی است، نه فقط مواجهه انفعالی با وضعیت موجود.

## فقه منفعل، فقه منتظر

مشخصه فقه منفعل این است که منتظر می‌ماند تا افراد دیگری تمدن‌سازی کنند و بعد بیایند و مسئله شرعی‌اش را بپرسند. بگویند ما می‌خواهیم در عرصه بانک، سیاست، اقتصاد، تحزب، زادوولد و غیره، به‌فان طرح و نسخه وارداتی عمل کنیم؛ آیا جایز است یا خیر؟ مفتی هم پاسخ دهد که جایز است یا خیر؛ هر جا هم نتواند بفهمد، خیلی زود از ادله اجتهادی مأیوس می‌شود، به سراغ ادله فقاقتی می‌رود و اصل عملی جاری می‌کند، والسلام!

پشت سرش چه مسائلی دارد؟ باید ده‌بیست سال بگذرد و آثارش را در فروپاشی خانواده، آمار طلاق، تأخیر در ازدواج، گسترش بیکاری، عوض شدن مفهوم اوقات فراغت و غیره نشان دهد.

## نظام منفعل، ثمره فقه منفعل

کل نظام عقلانیت اسلامی فلج است؛ دانشگاه در مسیری کار می‌کند و حوزه در مسیر دیگر. در عرصه‌های اجتماعی نشسته‌اند تا تجربه‌های دیگران منتقل شود و طبیعی است که این تجربه‌های منقطع از مبادی و غایات، چون در منطقه‌الفراغ است، بیشتر مباح باشد و عقل منفعل هم در منطقه‌الفراغ، منفعلانه بر خوردمی‌کند. تا همه عرصه‌های معرفت‌شناسی، اخلاق، کلام، عقاید و فقه، فعال و درگیر نباشند، نظام‌سازی دینی منفعلانه خواهیم داشت. نظامات متعددی چون نظام بانکی، نظام مالیاتی و غیره در این سی سال از شورای نگهبان گذشته‌اند و واقعا هم خلاف شرع نبوده‌اند؛ اما هرگز نمی‌توانید محصولش را یک نظام دینی بدانید.

همه مسائل اجتماعی حکومتی را نمی‌توان با عناوین ثانویه و اضطرار حل کنیم و بگوییم که مجبوریم و اگر نکنیم چه می‌شود! نتیجه این روند، به حکومت اضطراری اسلامی منجر می‌شود.

## غلبه فرم بر محتوا

در روال قانون‌گذاری، گروهی از آدم‌های خوب در مجلس که تخصصی هم در قانون‌گذاری اسلامی ندارند، چیزهایی را تصویب می‌کنند. بعد شورای نگهبان این قوانین را با عنوان حکم اولی شرعی نگاه می‌کند؛ اگر چیز حرامی در آن نباشد، حلال است! خط قرمزهای شورای نگهبان هم بسته به اعضایش جابه‌جا می‌شود؛ البته نه در محکمت. اگر دیدند که نظام گیر می‌کند، برای حفظ مصلحت نظام و حکم ثانوی به مجمع تشخیص مصلحت ارجاع داده می‌شود. در آن‌جا هم بسته به این که چه کسی آن جاست و شرایط سیاسی چگونه است، مصلحتی تشخیص داده می‌شود؛ اما چقدرش مصلحت امت اسلامی است و چقدرش مصلحت‌های روزمره افراد و گروه‌ها و شرایط خاص کشور؟ این روال قانونی هم مشروع است و هم معقول؛ اما یک جای کار خراب است! وقتی موتور نظام‌سازی خاموش باشد، فرم خودش را بر محتوا تحمیل می‌کند.



نگاه جزء نگرانه، نگاه نظام‌سازانه نیست. کسی که در درس خارج فقه، جدا از عقاید، اخلاق، معرفت‌شناسی، انسان‌شناسی، قرآن و سنت، جزء به جزء روی عبارات مته می‌گذارد و بحث می‌کند، قادر به نظام‌سازی دینی نخواهد بود.

